

نامه به يك همكلاسی



سرمقاله

سلام محسن - همكلاسی خوب و صمیمی سی سال پیش. چه زود عمر میگذره و همه چیز از این رو به اون رو میشه. مثل همون انقلابی که سی سال پیش تو و دوستان براه انداختید و زندگی همه مونا منقلب کردید.

بعد اینهمه سال دوری وقتی بطور تصادفی تو یکی از چت روم ها با هم گپ میزدیم، تاریخ تلخ زندگی سی سال پیش خود و نزدیکانتا برام گفتی.

گفتی تو جنگ به اصطلاح تحمیلی یه پاتا از دست دادی، داداشت هم تو عملیات والفجر شهید شده، زنت همسریک آخوند شد و پسرش معتاد و امروز تو خیابون مولوی گدائی میکنه. بچه های تو همه یا بیکارند یا اینور و اونور واسه بك قرون نون به هر جا سر میزنند، و با اینهمه بدبختی میگفتی که چقدر دلت برای مینا دختر همسایتون میسوزه که پس از اینکه بخاطر موهای بیرون افتاده از حجاب توسط گشت امر به معروف به زندان افتاد و توسط برداران پاسدار به او "بی محبتی و بی حرمتی شده بود" حالا "دختر خیابونی" شده و زبازند خاص و عام کوچه تون.

خیلی خنداره محسن، اونچه که قبلا بهش تجاوز میگفتیم امروز شده بی حرمتی و اونچه که اونروزها فاحشه میخواندیم امروز میگن دختر خیابونی.

همین دو سه هفته پیش سالگرد سی امین سال انقلابتون بود. روزهای انقلاب را خوب یادمه. برای اینکه از سر کلاس فرار کنی میرفتی تو تظاهرات و برای اینکه بقولی حالی کرده باشی یکی دو تا لاستیک هم میسوزوندی. اصلا نه خبر داشتی برای چی این کارها را میکنی و نه میدونستی کارهای تو و امثال تو چه فاجعه ای را بیار میاره. یه روز اومدی گفتی همه این بزن و بگوها کار یکیه که بهش میگن "خمینی" و بابات هم بهت گفته حتی اسمش را هم نیاری. خودت هم از اون روز شدی بقول معروف "سرباز خمینی" و زدی تو خط انقلاب تا خونه خودت و سی میلیون مردما خراب کنی. اونم با چه آرزوها و خیالائی. بذار چندتا از اون هدفهای مقدسی را که بخاطرشون زندگی مونا سیاه کردید، بیادت بیارم:

انقلاب کردید که اعتیاد و قمار و فحشا و مشروبات الکلی از جامعه برداشته شه. با اینهمه بخت برگشته ای که با آغاز انقلابتون به جرم اعتیاد و فحشا و تجارت مشروبات اعدام کردید، خودت بگو برداشته شد یا بیشتر شد؟

پارتی بازی و فساد اداری را از پایه های اصلی رژیم شاه میدونستید. آیا امروز و با تورم روزافزونتون پارتی بازی، اختلاس و فساد اداری تو مملکت صدبرابر نشده؟



ماهنامه شهیاد - شماره 93

پروانه وزارت کشور شماره ۲۱۲۹
سر دبیر و مدیر مسئول: کمال پنجازی
تلفن/ فکس: ۰۳۸۵۰۳ پلخن: ۰۵۲-۸۳۶۳۴۹۱
صندوق پستی ۱۲۳۴ خولون ۵۸۱۱۲

شهیاد - گلیون מספר 93

רשיון משרד הפנים מס. 2129
מו"ל: פנחסי קו הפקות * עורך ראשי: פנחסי כמאל
טל/פקס. 03-5038503 03-פלאפון: 050-9208850
ת.ד. 1234 חולון 58112

www.shahyad.net

E-mail: penhasi@gmail.com

אין המערכת אחראית על תוכן המודעות. כל הזכויות על עיצוב גרפי של המודעות שמורות למערכת

مسئولیت تنظیم متن آگهیهای مندرج با هیات مدیره نمیباشد.

مطالب رسیده از خوانندگان برایشان پس فرستاده نخواهد شد.

شهیاد در اصلاح، حک و کوتاه کردن مقالات رسیده خود را مجاز میداند.

مقالات وارده صرفاً عقیده نویسنده بوده و چاپ آن دلیل بر تائیدش از سوی مجله نمیباشد.

شهیاد از چاپ مقالات و مطالبی که با اصول اخلاقی، امنیت و منافع ملی مغایرت دارند، معذور میباشند.

حق چاپ، تکثیر، تقلید، فوتوکپی و استفاده از طراحی آگهیها بدون اجازه کتبی از دفتر مجله حتی برای آگهی دهندگان ممنوع میباشد.

استفاده از مقالات با ذکر "مجله شهیاد در اسرائیل" مجاز است # شهیاد در انتخاب و چاپ مطالب رسیده و آگهیها مجاز است

میگفتید چرا جلوی تظاهرکننده ها نیروهای ضدشورش وایستادند. آقا محسن پس چرا نیروی ویژه ضد شورش پاسدارها همین پارسال با باطوم زدند تو سر پسرت؟ میگفتید شاه تموم پول مملکت را خرج ارتش کرده. خودت قضاوت کن که اگر بازمانده همین ارتش شاه نبود آیا میتونستید جلوی هجوم ارتش تا ندون مسلح عراق حتی یکروز دوام بیارید؟ قدرت همون بازمانده ارتش شاهه که حتی امروز پس از سی سال رژیم اسلامی تون ارتشش را با اون مقایسه میکنه بدون اینکه بدونه ریشه و پایه ارتش سی ساله اسلامیش همون ارتش شاهنشاهی.

از دست ساواک و زندونیهای سیاسی اونزمنون شکایت داشتید. خب، ساواک رفت و حالا وزارت اطلاعات اومده با صدبرابر زندونی سیاسی بیشتر.

بقیه در صفحه 21

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

به نقل از مطبوعات، رجال سیاسی و کتب تاریخی

وفادار بودند و بعضی خیال یاگیری را داشتند، موفق شدم با جلب دوستی عده ای از روسای مطیع و گرفتن پاداش و تشویق از سردار سپه برای آنان بین قشقائی دو دستگی و اختلاف ایجاد نمایم، در نتیجه این اختلاف قدرت روسای متمرد قشقائی خیلی کم شد. سیاست سردار سپه این بود که با تدبیر و جلب محبت عشایر آنها را به کار کشاورزی و خدمات مفید شهرنشینی وادارار نماید و کمتر به قوه زور متوسل می شد مگر اینکه دیگر چاره ای نبود و امنیت مملکت اعمال قوه زور را ایجاب میکرد. در فارس هم همینطور عمل شد و بجز چند برخورد کوچک حادثه ای پیش نیامد و صولت الدوله و قوام و بعضی دیگر از روسای متفرق قشقائی به تهران اعزام شدند و مقیم تهران گردیدند و مردم فارس عموماً از ایجاد امنیت و رفع شرارت قشقائی ها و امنیت راهها و برچیدن بساط فتوئالی قشقائی و قوام الملک خوشحال و شاکر بودند. من چندین سال در فارس بودم بعد از ماموریت فارس همیشه مورد عنایت اعلیحضرت رضاشاه بودم. خاطره دیگری که بیاد دارم موضوع تغییر لباس رضاشاه می باشد چون در بقیه در صفحه 21



بود و یا آن که می خواست در برابر سردار سپه عشایر را تقویت کند ولی بهر حال به توصیه رئیس الوزرا ترتیب اثر ندادم زیرا از زمان مرحوم پدرم بیاد داشتم که عشایر بخصوص عشایر قشقائی باعث شرارت و غارت و ناامنی و اسباب زحمت مردم فارس هستند بعلاوه هدف سردار سپه برای ایجاد امنیت و برچیدن بساط ملوک الطوائفی هدف مقدس و بمصلحت مملکت بود. وقتی به فارس رفتم مطابق تعلیمات سردار سپه با روسای قشقائی تماسهای متعدد گرفتم بعضی از آنها نسبت به دولت مرکزی مطیع و

در دوران زمامداری قوام السلطنه در سال 1301 به پیشنهاد اعلیحضرت رضاشاه که آنوقت وزیر جنگ بودند و لقب سردار سپه داشتند والی فارس شدم. سردار سپه که برای مرکزیت حکومت ایران و تشکیل نظام جدید و برچیدن ملوک الطوائفی و ایجاد امنیت در سرتاسر ایران نقشه های مهمی داشت بخصوص از شرارت و یاگیری ایل قشقائی بسیار دلتنگ بود و بمن در خصوص تنظیم کار ایل قشقائی تعلیمات مفصل دادند، از جمله نظریه سردار سپه این بود که با تشویق و جلب سران و روسای مطیع قشقائی قدرت روسای متمرد ایل تضعیف شود و اساساً روسای قشقائی تعلیم شوند و از چادر نشینی و شرارت دست بردارند و در امنیت مملکت کار کنند.

موقعی که عازم شیراز بودم قوام السلطنه رئیس الوزرا بودند به من گفتند در فارس کاری کنید که بین قوام الملک و قشقائی را صلاح دهید و قشقائی را تقویت نکنید. گویا مرحوم قوام معتقد به تقویت عشایر



سخن شاه

* توجه دقیق ما معطوف به جهاد با اهریمن فساد و تامین و استقرار عدالت اجتماعی در کلیه شئون کشور است. در این مبارزه خستگی ناپذیر دقیقه ای از پای نخواهیم نشست.

شاهنشاه در افتتاحیه دوره اول مجلس سنا. 20 بهمن 1328

* کشور من یکی از ممالک کهنسال گیتی است و مسئله اقلیت ها در این مملکت اصولاً مطرح نیست. هر نژاد، هر ملیت و هر مذهبی در کشور من در پناه قانون قرار دارد و هیچگونه تبعیضی برای آنها موجود نیست.

شاهنشاه در کنفرانس مطبوعاتی در سانفرانسیسکو. 25 آذر 1333

اسلام همیشه مردم را دعوت به مساوات و برادری که همان عدالت اجتماعی است کرده است و ما هم به پیروی از تعالیم قرآن کریم نهایت کوشش را میکنیم که ملت ایران در رفاه و آسایش باشد.

از بیانات شاهنشاه در مراسم سلام عید قربان. 8 مرداد 1334

ادامه خاطرات رضاشاه

اصفهان تعصباتی بود اعلیحضرت

خوب یادمه آگه تو بازار پیاز و سیب زمینی کم بود (که اون هم کار همون بازاریای تو خط امامتون بود تا مردما ناراضی کنن) همه یهو شاه و دربار را مقصر میدونستند و میگفتند اشرف سیب زمینی ها را احتکار کرده!!!.

اما حالا چی؟ حالا هم آگه گوجه تو بازار نباشه امام امت مسئله یا آمریکای جهان خوار؟

خمینی وعده مجانی کردن آب و برق و نفت و اتوبوس را داده بود. هیچکدوم از اینها که مجانی نشده هیچ، حالا هم نرخ همه چیز رسیده به عرش آسمون.

اون میگفت تلویزیون و سینما " فاحشی " شده. همین رژیم اسلامی شما امروز دهها تلویزیون ماهواره ای دیمبیل و دامبولاً چونده کنار صدها کانال سکسی خارجی تا جونوای بیچاره ما را سرگرم و دور از کارهای سیاسی نگه داره.

میگفت چرا تو ادارات باید عکسهای شاه بالای هر اتاق باشه. حالا امروز تو هر دفتر و حجره ای سه تا عکس خمینی و خامنه ای و رئیس جمهور اسلامی دارید، نه؟

اون به شاه ایراد میگرفت که چرا زنها را به ارتش برده و داد میزد شاه پادگانها را به فحشاخانه تبدیل کرده. پس اینهمه زن امروز تو اون نیروی انتظامی و بسیجستون چیکار میکنند؟

خمینی میگفت شاه قبرستونها را آباد کرده. این بار که رفتی سر خاک برادرت، یه زیر چشمی به دور و ور بهشت زهرا بنداز ببین هر چی آدم تو پنجاه و هفت سال رژیم پهلوی تو تصادف و زلزله و سیل و جنگ جهانی و خلاصه اینور و اونور حتی اعدام شدند، فقط با اونچه خمینی از جون ملت ما تو هشت سال جنگ با عراق گرفت قابل مقایسه است یا نه؟ حالا همه اعدامی های سی سال انقلابتون بمونه به بعد.

خلاصه کلام محسن جان، میگفتی انقلاب میکنی که مردم آزاد و مستقل بشن. زن و بچه تا ببین و بگو: اینه همون آزادی و استقلالی که میخواستی؟ اینها که از ما هم آزادیمونو گرفتن، هم ناموسمون لکه دار کردن و استقلال مملکتا هم به باد هوا دادن.

محسن، اینا از این دوست قدیمیت داشته داشته باش که: آزادی همت میخواد، حفظ ناموس غیرت میخواد و شاه داشتن هم لیاقت میخواد. ملتی که با شاه خودش اینطور رفتار کرد نه لیاقت داشتن آزادی را داره نه ناموس و نه پادشاه.

آره جونم، خیلی از این چیزهائی که گفتم، بچه های تو و همسن و سالهای جوشون ازشون خبر ندارن، ولی الله و کیلی مرد باشو خودت بهشون بگو. بهشون بگو چی بودیم و چی به سرمون اومد.

ناراحت هم نشو آگه منم ازت میپرسم تو و امثال تو چه برسرمون آوردید؟!!! ■ سردبیر

بمن توصیه فرمودند مردم را به پوشیدن لباس متحدالشکل تشویق نمایم و بهمین منظور خودم اولین کسی بودم که کلاه پهلوی بر سر گذاشتم و لباس متحدالشکل پوشیدم. مورد دیگر در سنه 1314 بود که اعلیحضرت مقرر فرمودند زنان وارد خدمات اجتماعی شوند و چادر و روبند و چاقچور را کنار بگذارند و در حقیقت پایه نهضت بانوان ریخته شد. در آن وقت هم بمناسبت تعصبات خاص که در اصفهان بود اعلیحضرت بمن توصیه فرمودند مردم را در این نهضت اجتماعی تشویق نمایم، بهمین مناسبت مجالسی ترتیب داده شد اولین دفعه با خانواده و صبایای خودم که چادر را برداشته بودند، در مجالس جشن شرکت کردم و مردم اصفهان و فامیل خود را خصوصاً برای شرکت در این نهضت اجتماعی تشویق کردم و بحمدالله این خدمت را با خوبی و آرامی در اصفهان انجام دادم. به یاد دارم آخرین بار که خدمت اعلیحضرت رضاشاه رسیدم در یکی از روزهای اواخر شهریور 1320 بود که به اصفهان تشریف آورده و عازم کرمان بودند که از آنجا به خارج تشریف ببرند در منزل کازرونی وارد شدند و من را احضار فرمودند، در اولین ملاقات که دست اعلیحضرت را بوسیدم فرمودند: مسعود دیدی آخر ما را گول زدند. وقتی اعلیحضرت عازم کرمان بودند با چشم اشک بار از اعلیحضرت رضاشاه جدا شدم و خداحافظی کردم ولی همیشه خدمات ارزنده آن مرد بزرگ را با احترام یاد می کنم.

اکبر مسعود (صارم الدوله) - استاندار فارس -

وزیر امور خارجه و نماینده مجلس مؤسسان اول

تسلیت

درگذشت دوست، همکار و هنرمند بزرگ

یهودا مرادی

را به خانواده وی و نیز جامعه هنرمندان ایرانی مقیم اسرائیل تسلیت عرض مینمایم.

سلیمان متحده

دوست عزیز جناب آقای گلدین

با اندوه فراوان درگذشت همسر گرامی تان زنده یاد:

ویکی (زهاوا) گولدین

را تسلیت عرض نموده و برایتان صبر و شکیبائی

همراه با طول عمر فراوان آرزومندم.

کمال پنجازی